

تجلی کار و یاریگری در سنت‌های گفتاری

رقیه حاجی محمدیاری*

چکیده

ادبیات عامه و فولکلور هر قوم و گروهی تابع سنت‌ها، زندگی اجتماعی، شرایط اقلیمی، جغرافیایی، فرهنگی و قومی یک ملت است. در بررسی مثل‌ها، ترانه‌ها و دیگر عناصر فولکلور هر قوم به بسیاری از امور از جمله الگوهای ارزشمند مصرفی مانند اعتدال در مصرف، دوری از اسراف، سفارش به قناعت و همچنین در حوزه کار و تلاش جمعی، به افزایش بهره‌وری و پرهیز از صفات نکوهیده‌ای چون تنگ نظری، مال اندوزی و... می‌توان دست یافت. با توجه به اینکه در فرهنگ مردم ایران، سابقه وجود کارهای جمعی و گروهی در فضای کسب و کار، بویژه در زمینه‌های کشاورزی، دامداری، صیادی، صنایع دستی و سایر موارد بسیار زیاد است و این همیاری‌ها، در واقع کوشش تعدادی از افراد برای دستیابی به هدف یا نیت واحدی است، بر این اساس بررسی اسناد فرهنگ عامه و به کارگیری این تجربیات می‌تواند دانش عامیانه را در راه فعال کردن نیروهای اقتصادی جامعه امروزی و به کارگیری توان جمعی برای رفع مشکلات اقتصادی، به کمک بگیرد. در این مقاله جلوه‌های کار گروهی در سنت‌های گفتاری مردم ایران (در فضای کسب و کار) به منظور اشاعه فرهنگ اقتصادی و بهره‌گیری از نتایج و پیامدهای حاصل از آن در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی ارائه شده است.

کلیدواژه: ادبیات شفاهی، ترانه‌های کار، سنت‌های گفتاری، کار گروهی، یاریگری

مقدمه

ادبیات عامه و فولکلور هر قوم و گروهی با آرمان‌ها، افکار و پیش‌تاریخی، زمینه مناسبی برای مطالعه جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و فرهنگی ایشان است. متن‌های مردم‌ساخت ادبیات شفاهی، گنجینه گرانبهایی از تجربه‌های تلخ و شیرین زندگی مردمان ایلات و طوایف، روستاییان و شهرنشینان است. در واقع، فرهنگ هر ملت آمیزه‌ای از خرده‌فرهنگ‌ها و عناصر مختلف است که در تعامل با یکدیگر، فرهنگ کلی‌تری را به نام «فرهنگ ملی» می‌سازند. از جمله عناصر مهم ملی، ادبیات شفاهی است که شامل اسطوره‌ها، افسانه‌ها، ترانه‌ها و مثل‌ها و ضرب‌المثل‌هاست. مطالعه در ضرب‌المثل‌ها که یکی از عناصر تشکیل‌دهنده فولکلور یا فرهنگ توده است، می‌تواند به خوبی خلیات، عادات، اندیشه فردی و جمعی مردم را نشان دهد.

قصه، افسانه، ترانه، ضرب‌المثل و ... از منابعی هستند که می‌توان برای شناسایی و تحلیل فرهنگ مردم یک ناحیه (به طور اخص فرهنگ عامه مرتبط با فعالیت اقتصادی و کسب و کار) به آنها توجه کرد و مورد بهره‌برداری قرار داد.

آنچه بیش از هر چیز، در کار سنتی ایرانیان نمود دارد، کار جمعی و همکاری در امور اقتصادی، اجتماعی و ... است. به طور کلی، مشاغلی چون کشاورزی، دامداری، صیادی و ... نوعی کار جمعی محسوب می‌شوند و روحیه کار جمعی در امور فوق‌چنان قوی است که افراد، انواع تعاونی‌های سنتی را در زمینه کار تجربه می‌کنند. می‌توان گفت مزایای استفاده از گروه، دستیابی به نوعی همکاری برای تولید محصول بیشتر و بازدهی بالاتر در فرایند رشد و توسعه اقتصادی خواهد بود.

ضمن آنکه، کارها در گذشته با نوعی نشاط و همدلی و هم‌زمانی (انواع ترانه‌خوانی‌ها) انجام می‌گرفت که انواع افسانه‌های کار، اشعار کار، ضرب‌المثل‌ها، قصه‌ها و سایر حوزه‌های فرهنگ مردم بر همین اساس شکل گرفته‌اند.

تجلی کار و یاریگری در سنت‌های گفتاری ❖ ۵۵

ترانه‌ها، اشعار و قصه‌های کار به هنگام کار و تلاش، برای رفع خستگی و هماهنگی و ایجاد انگیزه بین اعضای گروه خوانده می‌شدند و این گونه از ادبیات شفاهی، با توجه به موقعیت آب و هوایی ایران از تنوع خاصی برخوردار بوده است. مؤلفه‌های فرهنگ کار گروهی در ادبیات شفاهی ایران را می‌توان در کل، در مواردی همچون کار و تلاش مضاعف یا روحیه جهادی (اهمیت دادن به کار، تخصص، جدیت، صبر و تحمل و ...)، مدیریت منابع مالی گروه (جلوگیری از اسراف)، کار به منزله عبادت و مفهوم کار جمعی در آواهای کار مورد بررسی قرار داد. در واقع موارد فوق در قالب همکاری‌ها و آداب کار گروهی در تمام ساختارهای زندگی روستایی وجود داشته و باعث تولید و ایجاد انگیزه لازم برای انجام کارهای اقتصادی می‌شده است.

۱. مؤلفه‌های کار و تلاش

کار، بخش اساسی زندگی است. برای آماده کردن فضای لازم به منظور کار و تلاش اجتماعی، باید انگیزه‌ای عمومی ایجاد کرد؛ انگیزه‌ای فراتر از برخورداری‌های مادی که فرد را به کار مشتاق کند و حاصل این تلاش، تولید انبوه و باکیفیت باشد. انگیزه‌ای که هر فرد از آحاد اجتماع را به شکلی در برابر انجام وظایف خود حساس کند تا همه توان خود را برای انجام امور به نحو احسن، به کار گیرد. در نظام‌های اجتماعی، برای پیشرفت و تعالی به انگیزه عمومی نیاز است. در کشورهایی که بهره‌وری سرانه نیروی کار در آنها بالاست و به همین دلیل به نقاط روشن از پیشرفت‌های اقتصادی رسیده‌اند، می‌توان رد انگیزه‌های عمومی را جستجو کرد. در واقع لازمه آغاز هر کار، دلبستگی و عشق و علاقه به آن کار است. برخی نمونه‌ها در ادبیات شفاهی، با مذموم شمردن بیکاری و کم کاری، فرد را وادار به جدیت بیشتر در کار می‌کنند.

۵۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۱-۱. اهمیت کار

- «کار جوهر مرد را زیاد می‌کند»^۱
 «کار عمر آدم را زیاد می‌کند»
 «از پرکاری خوری دیگ پر از گوشت / از کم کاری خوری مِشت تلنگوش»^۲
 «کار عار نیست»
 «سنگ آسیاب را بسابد بهتر است تا بیکار باشد»
 «جنگ از بیکاری بهتر است»
 «برو بیکاری، منشین به بیکاری»
 «آدم بیکار، خدا از او بیزار»
 «برای کارگر کار می‌بارد، برای بیکار بار»

۲-۱. سرمایه بودن کار

کار و اشتغال هم خود، سرمایه و گنج است و هم وسیله رسیدن به سرمایه و گنج. اگر کار کردن نباشد، هیچ رشد و پیشرفتی در زندگی انسان حاصل نمی‌شود. در فرهنگ دینی ما نیز توجه ویژه‌ای به کار و داشتن حرفه شده است که نمونه‌هایی از آن را در برخورد پیشوایان دینی با افراد بیکار و سربرار جامعه و نیز در تشویق‌های امامان معصوم علیهم‌السلام به کارکردن، می‌توان یافت. در کلامی از پیامبر گرانقدر اسلام (ص) درباره گنج کار آمده است: «حرفه آدمی، گنج است.» (مشکینی، ۱۳۸۶: ۵۵)
 «برف زمین را زنده نگه می‌دارد، درآمد مرد را»
 «ز پیشه بخور همیشه بخور»
 «سختی و محنت نبرد پینه‌دوز»
 «کسی که به صنعت رو نکرد، گرسنه می‌ماند»

۱. همه ضرب‌المثل‌ها از منبع زیر استخراج شده است: حسن ذوالفقاری (۱۳۸۸). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی.

تهران: معین.

۲. talanguš: پس گردنی

تجلی کار و یاریگری در سنت‌های گفتاری ❖ ۵۷

نمونه دیگر، ضرب‌المثل زیر است که کار مردم را در حد کار خداوند با ارزش می‌داند و بر لزوم پرداختن به کار تأکید می‌کند:

«به کسب کوش که کاسب بود حبیب‌الله»

«کسب، خزینه خداست، هرگز خالی نمی‌شود»

در مجموع، چنین ضرب‌المثل‌هایی فرد را به کار بیشتر تشویق می‌کند و هدف اصلی این ضرب‌المثل‌ها نفی بیکاری است.

میزان کار و پشتکار یک ملت در امور اقتصادی، امری فرهنگی است و ریشه در پیشینه تاریخی آن ملت دارد. وقتی تولید و خلق ثروت در جامعه‌ای ارزش تلقی شود، به دنبال آن فرهنگ کار نهادینه می‌گردد. در جامعه‌ای که نگاه منفی و نادرست به سرمایه‌دار وجود دارد، در آن جامعه روح کار و تلاش و جدیت می‌میرد و تن‌پروری و بیکاری فرهنگ غالب می‌شود. بنابراین، تمرکز تبلیغات باید بر ارزش کار و تلاش و تقبیح بیکاری باشد و از طرفی ثروتمند شدن بی‌زحمت و پول‌بادآورده غیراخلاقی شمرده شود. یعنی هر کس هر مسئولیتی که دارد آن را به نحو احسن انجام دهد تا فرهنگ کار جزئی از شاکله هویت او شود.

۳-۱. تخصص در کار

ضرب‌المثل‌های زیر به داشتن تخصص در کار اشاره دارد:

«کار به زور نیست به مهارت است»

«کار را باید به کارداں سپرد»

«کار بی‌علم بار و بر ندارد»

«هر کسی را بهر کاری ساخته‌اند»

شایستگی در انجام دادن یک کار که خود، از عناصر مختلفی چون: آگاهی، توانایی، مهارت و... تشکیل شده است، برای به سامان رسیدن یک کار و پایان خوش داشتن یک شغل و حرفه، لازم و ضروری است. در این باره نیز مثل‌های مختلفی در زبان فارسی رایج است:

«گاو نر می‌خواهد و مرد کهن»

«کار هر بز نیست خرمن کوفتن»

یعنی برای انجام گرفتن کار مهم و پرازش، باید قدرت یک گاوِ نرِ کاری و تجربه و اندیشه مردی کهن در کنار هم باشد و هر فرد بی اطلاع و بی تجربه ای نمی تواند این کار را انجام دهد.

نیروی کار همواره به آموزش حین کار نیاز دارد. آموزش، مهارت های شغلی نیروی کار را افزایش می دهد و در یک گروه کاری موجب افزایش بهره وری و کارآفرینی می شود. همچنین توجه به کاردانی و تخصص افراد در سپردن مسئولیت ها، بویژه در کارهای جمعی امری لازم است؛ زیرا مانع اسراف و اتلاف منابع می شود و هزینه تولید را کاهش و کارآیی را افزایش می دهد.

۱-۴. جدیت در کار

ضرب المثل های زیر را برای کسانی به کار می برند که برای انجام کاری امروز و فردا می کنند و جدیت به کار نمی دهند. تعلل در کارها باعث عقب افتادن و دیر انجام دادن کارها می شود.

«تا بخواهد کاری انجام دهد، دل آدم را خون می کند»

«انگار می خواهد نقشه قندهار بکشد»

«کلاغ رفت کشک بیاورد، فصل پاییز تمام شد»

«گویی رفته است آتش بیاورد»

«تا تو بیایی، آب به آبدان رفته و کاه به کاهدان»

«تا تو چنین و چنان کنی، گنار انار می شود»

«تنبله گفتن بیو سایه، گفت سایه خودش میایه» (فیصلی، چم کنار، ۱۳۴۹)

همچنین نمونه های زیر پشتکار در کار را گوشزد می کنند و مزد را نتیجه انجام کار می دانند.

«کار را باید صبح زود انجام داد.»

«کار به گپ نمی شود.»

«اگر کاشتی باید درو کنی و اگر درو کنی باید خرمن بکوبی.»

تجلی کار و یاریگری در سنت‌های گفتاری ❖ ۵۹

گاهی نیز از زبان تمثیل برای تشویق به کار استفاده می‌کردند. برای مثال در شعر زیر به صورت غیرمستقیم افراد را به پشتکار و جدیت در کار تشویق می‌کردند.

ایشلک مالی اویارلار

گاو پرکار را تحسین می‌کنند

تنبلینی سؤیدلر

و تنبلش را ناسزا می‌گویند

اؤکوز جوته گنتمه‌سه

گاو نر اگر به شخم نرود

قاشقا سینا دؤیدلر

بر پیشانی‌اش می‌کوبند (باقری، زنجان، ۱۳۵۵)

۵-۱. صبر و تحمل در کار

شتاب و بی‌تابی در کارها، از آفت‌های ویرانگر و تحمل و تأنی در کار، موجب رشد مناسب و موفقیت در کار است؛ چنان که گفته‌اند: «کارها نیکو شود، اما به صبر» یا «گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی»؛ به این معنا که با صبر و تحمل می‌توان از ماده‌ای مثل غوره که قاعدتاً باید ترشی به دست دهد، چیز شیرینی مانند حلوا به دست آورد. به این صورت که شیرینی حلوا از شیر است و شیره از انگور و انگور از غوره به دست می‌آید.

۶-۱. مداومت در کار

استادی و مهارت در هر کاری، مرهون تمرین و مداومت در آن کار است و ارائه کار نیکو و تحویل یک محصول خوب، زمانی میسر می‌شود که کننده کار، تمرین زیادی در آن کار داشته و به صورت مداوم آن کار را انجام داده است. به تعبیر امروزی، کار کسی در نوع خود بهترین است که سابقه و تجربه بیشتری در آن کار داشته باشد. از این رو هنگام تشویق افراد برای انجام دادن کار بهتر و نیکوتر با

۶۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مثلی فارسی، آنها را به تمرین بیشتر در آن کار فرا می‌خوانند و می‌گویند: «کار نیکو کردن، از پُر کردن است.»

۷-۱. پرهیز از تسویف در کار (وعده امروز و فردا دادن)

به فردا و فرداهای دیگر انداختن کارها یکی از آفات پیشرفت در کارهاست. همه ما این جمله را بارها و بارها شنیده‌ایم که: «کار امروز را به فردا می‌فکن» (دهخدا، ۱۳۸۳: ۱۱۷۳)، اما در عمل می‌بینیم که بسیاری از ما دچار این مشکل هستیم و در انجام دادن کارها تنبلی می‌کنیم و انجام دادن آن را به تأخیر می‌اندازیم.

۸-۱. تعامل در کار

بی‌تردید یکی از عوامل تعامل افراد در محیط کار، شناخت جایگاه فرد در محیط کاری خویش است. برخی حکایات و ضرب‌المثل‌ها همین مفهوم را مد نظر دارند و بر تعهد به کار که آن نیز از الزامات کار سالم است، تأکید می‌کنند. این مؤلفه البته در فضای سنتی کار به مراتب بیش از فضای صنعتی یافت می‌شود. از جمله دلایل متعدد آن نیز می‌توان به این مسئله اشاره کرد که چون فضای کار و زندگی در دوره ماقبل صنعتی دچار شقاق و دوگانگی نبود، افراد در محل زندگی روزمره خود به کار می‌پرداختند و شناخت فراوانی نسبت به یکدیگر داشتند. همچنین در گذشته، افراد به نوعی کار را از آن خود می‌دیدند و تلاش مضاعف در کار را بیهوده نمی‌دانستند.

«آدمی که زاری زاری بگی اون کار پیشرفت ندیه»

کسی که زاری و ناله و عجز بکند، کار او پیشرفت نمی‌کند. (سیفی، لنگرود، ۱۳۵۵) همچنین، ضرب‌المثل زیر به خوبی نشان‌دهنده آن است که وجود روابط سالم و انسانی در محیط کاری ایران در دوران ماقبل صنعتی، هیچ‌گاه به این معنا نیست که تمامی افراد وضعیت مشابه داشتند، بلکه افراد کاردان و بزرگ در همه جا از احترامی خاص و ویژه برخوردار بودند و کار آنان با کار دیگران یکی قلمداد نمی‌شد.

«کار بزرگان نبود کار خُرد»

«اگر بنا باشد همه کدخدا شوند، چه کسی آسیاب را می‌چرخاند.»

تجلی کار و یاریگری در سنت‌های گفتاری ❖ ۶۱

ترانه زیر نیز هماهنگی و همکاری عوامل مختلف یک کار تولیدی، اعم از عوامل انسانی و غیرانسانی را به خوبی نشان می‌دهد. نکته این ترانه آن است که عوامل غیر انسانی، همپای عوامل انسانی مهم و تأثیرگذار قلمداد شده‌اند:

میراب، آبی ده	آبی زمین ده
زمین علف ده	علف بزی ده
بزی روده ده	روده کولی ده
کولی غربیل ده	غربیل علاف ده
علاف ارزن ده	ارزن توتو ده
توتو، تخی ده	تخی جولاه ده

(فکوهی، ۱۳۸۹: ۴۳)

ضرب‌المثل زیر نشان از آن دارد که کار برای همه افراد یک خانواده لازم است و بدون همیاری تمام افراد خانواده، گرداندن چرخ زندگی محال است.

«مرد کاری، زن کاری، تا بگردد روزگاری»

«زن خانه‌داری می‌کند، مرد نان آوری»

درضمن افراد گروه در صورتی که کار را به درستی انجام نمی‌دادند، مورد بی‌توجهی قرار می‌گرفتند، اما از آن سو، افرادی که کار را به خوبی انجام می‌دادند، مورد احترام بودند:

«کار بزرگ، اجرش هم بزرگ است»

در واقع در جامعه سنتی ایران، اساس کار بر تعامل بین عوامل تولید است. از یک سو افراد تقریباً از لحاظ مادی اختلاف زیادی با هم ندارند و از سوی دیگر، مبنای کار بر تعاون قرار دارد و افراد جایگاه خود را در کار و محیط زندگی به خوبی می‌شناسند. در واقع وقتی در یک گروه کاری، منافع جمعی ارزش تلقی شود، احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت گروه در تک تک افراد درونی و با ارزش می‌گردد و افراد گروه برای توسعه اقتصادی متعهدانه می‌کوشند و منافع جمعی را بر منافع شخصی ترجیح می‌دهند. ضروری است مسئولان فرهنگی و رسانه‌های گروهی در تقویت

۶۲ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مسئولیت‌پذیری و تعهد جمعی و تعامل بین عوامل تولید در یک گروه کاری تلاش کنند؛ چرا که بین منافع جمعی و کار مضاعف رابطه مستقیم وجود دارد.

۲. استفاده بهینه از منابع مالی گروه

در همیاری و تعاون بین اعضای یک گروه که بر پایه ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی تشکیل شده‌اند، استفاده بهینه از منابع و پیشگیری از هدررفت منابع مالی و انسانی گروه به منظور افزایش بهره‌وری، حایز اهمیت فراوان است. نتیجه بهره‌وری باید کاهش هزینه‌ها، کاهش زمان تولید، استفاده بهینه از منابع، افزایش کیفیت و کمیت در محصولات یک گروه کاری باشد.

دوری از اسراف بیانگر ضرورت استفاده از حداقل منابع برای تولید محصول است. اهمیت مبحث فوق سبب شده است پیشوایان بزرگ دین، با سخن و شیوه خود بر تدبیر در مصرف و تدبیر در معیشت تأکید ورزند.

شیخ طوسی، در سند خود از شخصی به نام حسین نقل می‌کند: شنیدم شخصی به امام صادق علیه السلام عرض می‌کرد: به ما گفته‌اند، اقتصاد و تدبیر در معیشت، نیمی از کسب است. حضرت فرمود: «نه بلکه این کار، همه کسب است و از جمله دین [و دین‌داری]، تدبیر در معیشت است.»

مصرف بی‌رویه و الگوهای مصرفی ناشی از آن بیش از اینکه زیرمجموعه اقتصاد باشد، تابعی از ملاحظات اجتماعی است. این امر اجتماعی با عوارض متعدد آن کشورهای دارای اقتصاد نه چندان توسعه‌یافته را دچار بحران کرده است. مصرف بی‌رویه گاه از حالت رفاه‌زدگی هم خارج شده و به مثابه یک ارزش شکل مصرف‌نمایشی به خود می‌گیرد.

بررسی اسناد فرهنگ مردم در این حوزه می‌تواند با این فرض باشد که سنت، مخزن مشترک انسان‌هاست و تجارب گذشتگان در رویارویی با مشکلات و مسائل می‌تواند نکات مثبت و سازنده‌ای برای انسان امروزی داشته باشد. در واقع، امروزه نوعی گذر از همیاری و همکاری اجتماعی به سوی فردیت و غیرشخصی شدن روابط اجتماعی

تجلی کار و یاریگری در سنت‌های گفتاری ❖ ۶۳

آشکار می‌شود. امروزه درجه هویت و تشخیص افراد به دارایی و مستغلات نیست بلکه استفاده از کالاهای مصرفی است. یعنی برای کسب منزلت اجتماعی، اعتبار و احترام، باید صرفاً مصرف کرد. در فرهنگ سنتی مردم ایران، انسان‌ها با بخشندگی، مراودات خود را تنظیم می‌کردند، اما امروزه این مفهوم در حال رنگ باختن است.

۲-۱. ذخیره کردن و پس انداز

جهاد اقتصادی دارای دو جنبه اساسی تولید ثروت و مصرف بهینه است. ساده‌ترین محور جهاد اقتصادی، صرفه‌جویی است. هر کشوری برای ارتقای تولید و نیز رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی، نیازمند سرمایه‌گذاری است. شرط لازم برای سرمایه‌گذاری نیز، پس انداز، انباشت سرمایه و مهیاسازی بستر فرهنگی به همراه تقویت روحیه کارآفرینی در جامعه است.

کنار گذاشتن بخشی از مصرف برای پس‌انداز کردن و تبدیل آن به سرمایه‌های تولیدی، به منظور حفظ سطح رفاه موجود و دستیابی به سطح رفاه بالاتر، امری کاملاً ضروری است. در واقع پس‌انداز، به عنوان منبعی برای تشکیل سرمایه، متغیری است که در آموزه‌های اقتصادی برای دستیابی به رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. پس‌انداز کردن از سوی افراد گروه به نوعی انباشت سرمایه را به دنبال خواهد داشت. فرهنگ سرمایه‌گذاری و استقبال از به کارگیری این متغیر اقتصادی، لازمه داشتن روحیه پذیرش خطر، اعتماد به نفس، مشارکت گروهی و... است. (کميجانی و رحمانی، ۱۳۷۴: ۵۷)

مثل‌ها به عنوان موجزترین شکل ادبیات شفاهی، بازتاب‌دهنده خواست‌ها، آرزوها، تفکرات و بینش یک ملت است و فرهنگ، اجتماع، سیاست، اقتصاد و ویژگی‌های هر یک از آنها در مثل‌ها به مثابه عصاره خرد جمعی قابل جستجو است. در بعضی مثل‌ها جنبه‌های اقتصادی همچون نقدینگی، هزینه‌ها، قناعت و عناصر مالی قابل مشاهده‌اند که نگاه و برخورد مردم را به این مسائل نشان می‌دهد. به طور کلی، ادبیات شفاهی از جمله مثل‌ها و زبان‌زدها، تابع سنت‌ها، زندگی اجتماعی، شرایط اقلیمی، جغرافیایی، فرهنگی و قومی هستند.

۶۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

با بررسی زبان‌زدها و دیگر عناصر فولکلور هر قوم، به بسیاری از الگوهای ارزشمند مصرفی از جمله اعتدال در مصرف، دوری از اسراف، سفارش به قناعت، افزایش بهره‌وری و پرهیز از صفات نکوهیده‌ای چون مال‌اندوزی، تنگ‌نظری، آموزش و ترویج خوداتکایی می‌توان دست یافت.

این مفهوم در گذشته به معنی ذخیره کردن برای روز نیازمندی و بهره‌برداری به قدر نیاز بود. این مفهوم نیز زمانی به درستی درک می‌شود که در کنار سایر مفاهیم و همراه با معانی آنها در نظر گرفته شود. فرد موظف بود از دارایی خود به حد نیاز و ذخیره برای روز مبادا بردارد و باقی دارایی اغلب خرج روزمره و بخشش به مستمندان می‌شد.

مثل‌های زیر در تشویق این نوع ذخیره‌سازی است:

«آب قطره قطره می‌رود و دریا می‌شود.»

«ارزان شود نانت است، گران شود جانت است.»

«اشک، اشک؛ مشک مشک!»

«اندک اندک خیلی شود به قطره قطره سیلی.»

«اندک اندک به هم شود بسیار؛ دانه دانه است غله در انبار.»

«این بوته و آن بوته می‌شود یک بغل.»

«بخور، بخوران؛ پس انداز کن.»

«پول را به پول بده به کال و کول مده. (آذری)»

«جوی به جوی می‌ریزد تا رود دریا شود. (لری)»

«چکیده چکیده دریا شود، اگر نچکد بیابان شود. (ترکمنی)»

«پس انداز امروز، دستگیر فرداست.»

۲-۲. بخشندگی

یکی از شاخص‌های اصلی کار جهادی در جامعه، همدردی در تنگناهای اقتصادی است. یکی از آموزه‌های مهم اخلاقی نیز همدردی با توده مردم در شرایط نامساعد اقتصادی است. در فرهنگ سنتی ایران، خواستن همه چیز برای خود معنی نداشت، بلکه بخشیدن قسمتی از آن، به زندگی فرد برکت می‌بخشید.

تجلی کار و یاریگری در سنت‌های گفتاری ❖ ۶۵

به عبارت دیگر، بخشندگی، تکمیل‌کننده مفهوم مصرف در تعریف سنتی است. نمونه‌های فراوانی در فرهنگ مردم ایران به این مفهوم اختصاص دارد:

«جهان شود لب پر خنده‌ای اگر مردم
کنند دست یکی در گره‌گشایی»
«یک نان بخور، یک نان خیر کن.»

«آن را که سخاوت است، چه حاجت به شجاعت است»

«حکیمی را پرسیدند که از سخاوت و شجاعت کدام بهتر است؟ گفت: آن که را سخاوت است، به شجاعت حاجت نیست.»

«نماند حاتم طایی ولیک تا به ابد بماند نام بلندش به نیکویی مشهور»

«با خلق کرم کن آن چنان که خدا با تو کرم کرد.»

داستان زیر این مفهوم را به زیبایی به تصویر می‌کشد:

در زمان‌های گذشته، دو برادر بودند؛ یکی متأهل و دیگری مجرد. آنان در قطعه زمینی مشغول زراعت و کشت گندم بودند تا اینکه شبی به فکر برادر بزرگ‌تر می‌رسد که برادرم بزرگ شده است و باید صاحب زن بشود اما از طرفی، قدرت مالی ندارد، برای اینکه بتواند همسر اختیار کند، باید شبانه مقداری از گندم مایه شده‌ام (گندم جدا شده از کاه) را روی خرمن برادرم بریزم چون از خودم قبول نمی‌کند. به این ترتیب، از شب تا سپیده صبح از خرمن خودش روی خرمن برادر مجرد می‌ریخت.

شب دوم، برادر کوچک‌تر به فکر برادر عائله‌مند خود می‌افتد و می‌گوید: کثرت عائله، برادرم را فقیر کرده است و این همه گندم برای من زیاد است، اگر بخواهم آشکارا به او بدهم، قبول نمی‌کند. پس با ظرفی که همراه داشت، از شب تا صبح از خرمن خودش روی خرمن برادرش ریخت. مدتی به همین منوال گذشت و روزها دو برادر به خرمن‌ها نگاه می‌کردند و می‌دیدند که تغییری نکرده است. از قضا شبی با کوله‌پشتی‌های گندم به هم برخوردند و ماجرا را برای یکدیگر تعریف کردند. (رمضانی، لاهیجان، ۱۳۴۸)

در واقع انجام فعالیت جمعی، موجب بالا رفتن احساس تعلق نسبت به دیگران و ایجاد حس همدردی نسبت به اعضای گروه کاری می‌شود.

۳. کار به منزله عبادت

دین مبین اسلام سفارش‌های فراوانی در تشویق به کار و نکوهش کاهلی دارد. اسلام به کار و کارگر ارزش بسیار والایی داده است، به گونه‌ای که کار کردن را از بزرگ‌ترین عبادت‌ها و وسیله‌ای برای تقرب به پروردگار شمرده است. نگاه قدسی و عبادی به کار، انگیزه کار کردن را در انسان تقویت می‌کند و مرتبه معنوی و اجتماعی او را بالا می‌برد.

فرهنگ‌هایی را می‌توان زمینه‌ساز و مشوق کارآفرینی دانست که جمع‌گرا باشند و سطح خطرپذیری بالایی داشته باشند. اکنون باید دید این معیارها تا چه اندازه با آموزه‌ها و دستورات اسلامی سازگارند. در دین اسلام بر کار گروهی، مردم‌گرایی، مشورت و به طور اجتماعی زندگی کردن انسان‌ها تاکید زیادی شده است. در هیچ کجا از تعالیم این دین مقدس بر فردگرایی، گوشه‌نشینی و دوری از مردم حتی اگر برای عبادت خدا باشد، توصیه نشده است.

۳-۱. مفهوم برکت

کار جهادی با حرکت مستمر و پشتوانه قوی دینی و اعتقادی همراه است. وقتی اقتصاد همراه با جهاد آورده می‌شود، بدین معناست که حرکت اقتصادی باید با اخلاق همراه باشد. چه بسیار تعاملات درست اقتصادی که حرکت تکاملی انسان را به سوی خدا سرعت می‌بخشد. تلقی عبادت از رفتارهای اقتصادی، خود نمونه‌ای بارز از کوشش و جهاد اقتصادی است که دو جنبه دینی و دنیوی دارد.

براساس تلقی صحیح از روزی مقدر شده، انسان تلاش‌های خود را در مسیر صحیح و متناسب با استعدادها و توانمندی‌هایش به کار می‌گیرد و بدین سان، خود عاملی در رشد اقتصادی به شمار می‌رود. انسان، در پرتو ایمان به رزاقیت خدا، با آرامش خاطر و با رعایت حدود و ارزش‌ها به فعالیت اقتصادی می‌پردازد و در نتیجه از مواردی همچون حرص و طمع، ترس از فقر و... که سرچشمه بسیاری از آلودگی‌های اخلاقی - رفتاری است، رهایی می‌یابد و با امید و توکل به خدا در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت می‌کند.

«برکت در حرکت است.»

«برکت ده چیز است که هر ده تا هم در راستی خلاصه می‌شود.» (قشقایبی)

«خانه تنگ و روزی فراخ.»

چنان که گفته شد، روزی از جانب خداوند است و به همین دلیل شایسته مصرف صحیح و کامل است. از واژگان مرتبط با مصرف، «نعمت» است که در فرهنگ مردم ایران وجود دارد. این واژه همانند برکت، در مورد داده‌ها و عطایای الهی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واژه نعمت هیچ گونه جبرگرایی وجود ندارد و ناظر بر بخشش بی حد و گسترده خداوند است. دو مؤلفه اصلی در مفهوم نعمت، برکت و نیت است. نعمت خداوند، سرشار از برکت است و برکت، مفهومی است که همنشینی آن با هر چیزی، رنگی از تقدس به آن می‌بخشد و بنابراین باید مورد تکریم و احترام قرار گیرد. برای مثال، درباره مراسم برداشت گندم بیشترین تمرکز بر روی برکت و برکت‌افزایی است و هر فرایندی که موجب این برکت‌افزایی باشد، تشویق و تقویت می‌شود.

در هنگام درو، اعضاء برای ایجاد هماهنگی و نظم در برداشت محصول و جلوگیری از خستگی اعضای گروه و همچنین درخواست برکت، آوازهایی را به صورت دسته‌جمعی یا انفرادی می‌خواندند. دروگران سنقر کلیایی کرمانشاه حین درو چنین نغمه سر می‌دادند:

darow sarkâni mardânegiya درو سرکانی مردانگیه

درو سرچشمه مردانگی است

tâ darow navaed zengâni niya تا درو نود زنگانی نیه

تا درو نباشد زندگانی نیست

falâhe zahmatkeš xodâ yâre aow فلاح زحمتکش خدا یار او

کشاورز زحمتکش خدا یار اوست

tamâm-e-maxluq aowne vâre aow تمام مخلوق چون وار او

تمام خلق چشم به دست او دارند

va rang-e bâzu va âraq režân و رنج بازو و عارق رژان

۶۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

barakat ayyâ xodâ la pimân	رنج بازو و عرق ریزان برکت ایا خدا له پیمان خدا نیز برکت به ما می دهد
mur-o-mali ało-daliyyo dawriš	مور و ملیچک و دلی و دوریش مور و گنجشک و گدا و درویش
bani âyam-o-kas-o-kâr-o-xiš	بنی آیم و کس و کار و خویش بنی آدم و کس و آشنا و خویش
qesmat-e-koliyân la dalyây-e-rahmat	قسمت کلیان له دلای رحمت قسمت و روزی آنها از دریای رحمت است
daowr âyâ la doawre kašt-o-falâhat	دور آیا له دور کشت و فلاحت که آن هم در اطراف کشت و زراعت دور می زند
har darovâni yay dâsi diri	هر دروانی بی داسی دیری هر دروگر یک داس دارد
har qesmat bari sepâsi diri	هر قسمت بری سپاسی دیری هر سهم بری یک شکر و سپاس دارد

(دوستی، ۱۳۸۸: ۷۵)

۴. تجلی کار گروهی در آواهای کار

موسیقی و ترانه‌های کار شامل ترانه‌هایی است که مردان یا زنان بویژه جوانان در هنگام کار می‌خوانند این ترانه‌ها برای رفع خستگی و ایجاد هماهنگی در کارهای گروهی و بین اعضای گروه خوانده می‌شد. مضامین این آواها به طور معمول دعا، مددخواهی از خداوند، برکت‌دهی و گفت و گو با شیء و حیوان بود. این نغمه‌ها در ابتدا ساده و بسیط بودند و یک یا چند واژه با آهنگ ویژه‌ای مدام تکرار شده و ملودی خاصی را می‌آفریدند. در طول زمان، این نغمه‌ها توسط مردم تکمیل‌تر شدند و وزن و آهنگ خاصی پیدا کردند. شخم‌زنی، بذرکاری، خرمن‌کوبی، درو، کشیدن و وزن کردن گندم بیشترین نغمه‌ها را در کشاورزی به خود اختصاص داده است. در واقع می‌توان

تجلی کار و یاریگری در سنت‌های گفتاری ❖ ۶۹

گفت از جلوه‌های همکاری؛ مشارکت و همیاری در زندگی روستایی و عشایری، حرکت دسته‌جمعی کشاورزان برای انجام کارهای کشاورزی مانند شخم‌زنی، خرمن‌کوبی و درو کردن بود.

تنوع آواهای کار و رواج آنها در میان اقوام مختلف، بیانگر جایگاه والای کار در میان مردم این دیار است؛ چرا که بیکاری از دیدگاه همه ایرانی‌ها امری مذموم شمرده می‌شود و هیچ کس برای فرد تنبل و بیکار ارزش قائل نیست. آواهای کار به منظور تقویت روحیه کاری و فراهم آوردن شرایط کار بهتر و بیشتر خوانده می‌شود. کارآواها تنها مختص بزرگسالان نبود بلکه زنان و کودکان نیز هنگام مشارکت در کار گاهگاهی آنها را می‌خواندند.

به طور نمونه بویراحمدی‌ها در شالیکاری، آواهای کار را با هدف تشویق به کار بیشتر، ایجاد رقابت سالم و تحمل سختی کار توانفرسا سر می‌دهند. در یکی از این ترانه‌ها آمده است:

«یا لا زیتر کلکش کن

من تولک خلقش کن»

یعنی یالا زودتر آن را نشا کن و در نشا او را رسوا کن. این آوا به هنگام نشاکاری که در اصطلاح محلی «کلکی» گفته می‌شود، باعث ایجاد رقابت سالم می‌گردد؛ زیرا عقب ماندن و دیر رسیدن به انتهای کرت‌ها، احساس شکست در وجود نشا کار بویراحمدی ایجاد می‌کند. (پزش، ۱۳۸۰: ۵۵)

در مناطق شمال، غرب و مرکز روز آخر درو به هنگام چیدن آخرین دسته‌های گندم، فردی که صدای خوبی داشت، صلواتی می‌فرستاد و بقیه دروگران با او همخوانی می‌کردند. آنها بدین وسیله پایان کار برداشت را به همه خبر می‌دادند. صلوات‌خوانی به منظور شکر و سپاسگزاری از برکت محصول و لطف خالق بود. در قره‌قباد (قاراباد) قزوین دروگران این گونه می‌خواندند:

سرگروه:

اول به مدینه مصطفی را صلوات

هم‌خوان‌ها:

صل علی محمد صلوات بر محمد

۷۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

دوم به نجف شیر خدا را صلوات	صل علی محمد صلوات بر محمد
در کرب و بلا شمر دغا را لعنت	بیش باد
در طوس، غریب‌الغربا را صلوات	صل علی محمد صلوات بر محمد

پس از آنکه همه با هم سه مرتبه یا علی می‌گفتند، سر گروه برای رفع خستگی این گونه می‌خواند:

اگر خسته جانی بگو یا علی یا علی

اگر ناتوانی بگو یا علی یا علی

در خاتمه تمامی دروگرها این چنین می‌خواندند:

زمین پر کلاش «kolaš» (کاه) شد

به حق شاه کربلا حسین سیدالشهدا آنهایی که گندم چیدند الهی بلا نبیند
دروگرها به آخرین دسته چیده شده، «صلوات دسته» می‌گفتند و با گندم صلوات
دسته، سبزه سفره هفت‌سین را آماده می‌کردند.

در صمغ‌آباد تاکستان روز آخر درو، دروگرها این گونه می‌خواندند:

زمین را کردیم کلا «kalâ» (درو)

به حق شاه شهید کربلا

این دسته هم مال فقرا

آنها با گفتن یا حسین (ع) آخرین دسته گندم درو شده را روی زمین می‌گذاشتند تا
پس از ترک زمین، فقرای محل خوشه‌های مانده بر زمین را برای خود جمع کنند که به
آن خوشه‌ها «صلواتانه» می‌گفتند.

سپس دروگرها دسته‌های گندم صلواتی را به فقرایی که خود را به محل درو رسانده
بودند، می‌دادند.

در ساوه، پیرزنان و پیرمردان کم‌بضاعت، سادات، درویشان و رهگذران مستحق بر
سر زمین‌ها می‌رفتند و با گفتن خداقوت و خواندن اشعاری در مدح علی (ع) و حضرت
رسول ﷺ هم باعث رفع خستگی و قوت زور و بازوی زارعان می‌شدند و هم دسته‌ای
گندم (بافه) از دروگران یا صاحب محصول می‌گرفتند.

اشعاری که خوانده می‌شد، از این قرار بود:

بسم الله الرحمن الرحيم يا رحمن و يا رحيم	بارالها نشود لال، زبانی که فرستد به محمد صلوات
علی است بر همه علم کلید باغ بهشت	که بر سلاسل گیسوی مصطفی صلوات
علی است اول علی است آخر	علی است ظاهر علی است باطن

در کهکیلویه و بویراحمد هنگامی که فصل جمع‌آوری بلوط می‌رسد، چند خانواده با هم مشورت می‌کنند تا با کمک همدیگر بلوط‌ها را بتکانند. پس به همین منظور چوب بلندی را که به آن جلد (jald) گفته می‌شود، برمی‌دارند و به جنگل‌های بلوط می‌روند و پس از تکاندن و جمع‌آوری بلوط آنها را به نسبت بین خود تقسیم می‌کنند. آنها اما در حین جمع‌آوری و تکاندن بلوط‌ها، شعرهایی نیز می‌خوانند؛ به این صورت که یک نفر از آنها بندی از شعر را می‌خواند و دیگران به دنبال او، همان بند را تکرار می‌کنند:

هو بسه و یو بسه	زود باش (بلوط‌ها را) جمع کن
آی ورچینی ورچیندیمش	زود باشید که جمع‌شان کردیم
زیر بال دار در چندیمش	زیر یک درخت بلوط جمع‌شان کردیم
دار زرد کر معلی	درخت بلوط زرد رنگ کر معلی
میمون دار یه شله بلی	برایمان یک ظرف شله بلوط داشت
آی ورچینی ورچیندیمش	زود باشید (بلوط‌ها) جمع کنید
زیر بال دار در چیندیمش	که تمام بلوط‌ها را برچیدیم
	(سرداری، برج سردار، بی‌تا)

به صورت کلی، ادبیات شفاهی موجود در جامعه به مثابه روح جمعی عمل می‌کند و در تمام اجزای آن اهمیت کار در جامعه آشکار است.

یکی دیگر از صنایع مهم دستی ایرانیان، قالبیافی است که آمیزه‌ای از کار و تلاش جمعی زنان ایرانی محسوب می‌شود. ترانه‌هایی که حین کار قالبیافی خوانده می‌شود، در واقع اشعاری هستند که با نوعی ملودی ساده در حین انجام فعالیت اقتصادی، از سوی افرادی که در حال انجام کار هستند، اجرا می‌شود. این ترانه‌ها معمولاً به صورت

۷۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

گروهی خوانده می‌شوند و در برخی از آنها نوعی تنظیم موسیقایی وجود دارد؛ به این شکل که هر بخش از سوی فرد یا افراد خاصی که فعالیت خاصی را انجام می‌دهند خوانده می‌شود و در واقع بازنمودی فرهنگی از معنای برساخته شده برای آن کار و لوازم آن و نیز محصول تولید شده در نتیجه آن فعالیت، در ذهن مردمانی است که آن را انجام می‌دهند.

مضمون بسیاری از آواهای قالبیابی کاشان اشاره به رنج قالبیاف است:

«علی بیا به کارم

رچ آخری سر اومد

اوسا کارم نیومد

ریشه می‌زنم صدا کنه

اوسا کارم نگا کنه

دسمال پول و واکنه

قسمت ما سه تا کنه

قالی بوم طلایی

طرحاش همه محلی

عاشقیاش واقعی

خوشبختیاش خیالی!» (مزرعتی، ۱۳۸۳: ۱۶)

از دیگر مراسمی که در آن روح جمعی و مشارکت کاملاً به چشم می‌خورد، می‌توان

به لایروبی قنات در اردستان اشاره کرد:

مردم در اواخر تابستان در مسجد روستا جمع می‌شدند و درباره لایروبی قنات با

یکدیگر صحبت می‌کردند. در این مراسم سهم هر خانوار در تأمین آذوقه کارگران و

تعداد افرادی که در هر خانواده باید برای لایروبی آماده می‌شدند، مشخص می‌شد.

(رضوی، اردستان، ۱۳۵۵)

انواع افسانه‌ها همچون افسانه طاهر و انواع مناسک نمادین همچون زن یا شوهر

دادن قنات، بیانگر وجود روح جمعی و مشارکت در میان مردم ایران است. همچنین



باید به همیاری در کشف و انتقال و تقسیم آب اشاره کرد که نمودهای فراوانی داشته است.

جمع‌بندی

تأثیر روزافزون فرهنگ عامه یا فولکلور بر زندگی مردم از طریق رسانه‌های جمعی، یکی از عواملی است که این فرهنگ را به موضوع قابل تأملی تبدیل کرده است. مفاهیم اقتصادی در فرهنگ فولکلور، با ادبیات شفاهی، فرهنگ مادی و آداب و رسوم اجتماعی پیوند تنگاتنگی دارد و در نتیجه بررسی این مفاهیم، دامنه وسیعی از دانش فولکلور پیش روی ما قرار می‌گیرد.

فرهنگ اقتصادی در ادبیات شفاهی عبارت از ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای متعدد انسان‌ها در برآوردن نیازهای اساسی‌شان است. در سطوح مختلف فرهنگ اقتصادی، آنچه مهم شمرده می‌شود، منطبق سرمایه‌داری نیست، بلکه توجه به ابعاد انسانی، ارزش‌ها و اخلاقیات حاکم بر فعالیت‌ها و ارتباط‌های اقتصادی است، به گونه‌ای که نوعی توسعه پایدار را به ارمغان بیاورد. مهم‌ترین برنامه‌های مورد توجه در مهندسی فرهنگی نظام اقتصادی را می‌توان الف) ارتقای سطح فرهنگ مصرف در جامعه با تأکید بر دوری از اسراف، دوری از تجمل‌گرایی، اعتقاد به فرهنگ قناعت و پس‌انداز و توجه به فرهنگ صرفه‌جویی در مصرف امکانات عمومی، ب) ارتقای سطح فرهنگ کار گروهی در جامعه با تأکید بر فرهنگ سختکوشی، برخورداری از اخلاق کار گروهی، وجدان کاری، انضباط و مسئولیت‌پذیری در استفاده از وسایل و ابزار کار گروهی و تلقی از کار به مثابه وظیفه انسانی (کار برای رضای خدا)، ج) ارتقای سطح فرهنگ مشارکت اقتصادی در جامعه با تأکید بر فرهنگ پس‌انداز، توجه به امور تعاونی و همیاری در فعالیت‌های اقتصادی، توجه به سطح کارآفرینی اقتصادی در میان مردم، مشارکت در امور اقتصادی بیشتر تولیدی، فرهنگ سرمایه‌گذاری در امور جمعی و احترام به همیاری‌های سنتی و بومی در فرهنگ ایرانی، د) ارتقای سطح فرهنگ تولید و بهره‌وری در جامعه با تأکید بر تعدیل سود شخصی در کنار سود جمعی و اعتقاد به تولید ثروت برای رشد اقتصادی جامعه و ه) ارتقای سطح فرهنگ اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی در میان مردم با تأکید بر باور به معاش سالم و آبرومند، دوری از

۷۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مشاغل کاذب، سطح رضایت از شغل، اعتقاد به تخصص‌گرایی در مشاغل و تشویق به کار و تلاش اقتصادی دانست.

در ادبیات شفاهی ایران، در قالب ضرب‌المثل، شعر و مانند آن به ترویج کار جمعی پرداخته شده است و افراد به در نظر گرفتن ابعاد معنوی در حوزه کار و تلاش جمعی (توکل به خداوند) و رعایت اخلاق کاری (انصاف، صداقت، انضباط، دوری از بیکاری و...) تشویق شده‌اند.

رسانه ملی نیز می‌تواند با بهره‌برداری از عناصر مختلف ادبیات شفاهی همچون ترانه، مثل و... در ساخت برنامه‌های تلویزیونی (تله فیلم، سریال و...) با مفاهیم کار و تلاش جمعی و استفاده از ظرفیت داستان‌های اقوام و مردم مناطق مختلف ایران باعث تقویت روحیه کار جمعی در افراد شود.

منابع

- پزش، غلامرضا (۱۳۸۰). گردآوری و طبقه‌بندی موضوعی ترانه‌های بویراحمدی. تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما.
- دوستی، شهرزاد (۱۳۸۶). گندم و نان در فرهنگ مردم ایران. تهران: مرکز پژوهش و سنجش افکار صدا و سیما
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۳). امثال و حکم. چ ۱۲، تهران: امیرکبیر.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۸). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی. تهران: معین.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۹). کار و وجدان کاری در فرهنگ مردم ایران. تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما.
- کمپجانی، اکبر و رحمانی، تیمور (۱۳۷۴). تحلیل تنوریک از اهمیت و ماهیت پس‌انداز. تهران: مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران.
- مزرعتی، احمد (۱۳۸۳). ترانه‌های قالی‌بافان کاشان. تهران: مرنجاب.
- مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۶). المواعظ العددیه (نورائیت ابدی)، قم: الهادی.

فرهنگیاران

- باقری، محمود، ابهر، زنجان، ۱۳۵۵
رضوی، اردستان، اصفهان، ۱۳۵۵
رمضانی، لاهیجان، گیلان، ۱۳۴۸
زاهدی، غلامعلی، کاشان، اصفهان، ۱۳۴۷
سرداری، کهگیلویه و بویراحمد، برج سردار، بی تا
سیفی، مهناز، لنگرود، گیلان، ۱۳۵۵
فیصلی، عبدالرحیم، چم‌کنار، هندیجان، خوزستان، ۱۳۴۹
مؤمن‌آبادی، دزفول، خوزستان، ۱۳۵۶





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی